

آیا ممکن است فکر را در سنگ مجسم کرد؟

رودن بزرگترین مجسمه ساز قرن ۲۰ بارها اعتراف کرده که افتخار دارد خود را شاگرد میکل آنژ بداند و این اعتراف را از سال ۱۵۶۴ تا امروز اکثر هنرمندان بزرگ بر زبان آورده‌اند. در این مقاله ما از زندگی میکل آنژ صحبت نخواهیم کرد زیرا مقالات متعدد در باره زندگی او در مجلات فارسی زبان نوشته شده.

در این مقاله سعی خواهیم کرد نشان دهیم بچه علت میکل آنژ تا این اندازه شهرت یافته که پس از ۴۰۰ سال هنوز سرمشق هنرمندان قرار میگیرد.

۳۰۷

میکل آنژ در قرن ۱۶ میلادی در ایتالیا عملی انجام داد که قبل از او کسی بآن آشنائی نداشت. قبل از او مجسمه سازان و نقاشان سعی میکردند تا آن اندازه که برایشان ممکن بود از طبیعت تقلید کنند. مثلاً بهترین مجسمه هنرمند آن پیکری بشمار میرفت که بیشتر بشخصی که مدل مجسمه ساز بود شباهت داشته باشد همه کس مجسمه ونوس را که در قرن ۱۹ فرانسویها در جزیره میلو پیدا کردند و امروز بنام (ونوس دومیلو) در موزه لوور در شهر پاریس است میشناسد. سازنده این شاهکار موفق شده آرزوی انسان قرن ۴ قبل از میلاد را بصورت زن زیبایی در مرمر مجسم کند بطوریکه هر کس آنرا ببیند در دل خود بگوید: «چه زن زیبایی این قطعاً مجسمه همان زنی است که من سالها است بدنبال او میگردم.»

میکل آنژ هم در ابتدای کار در دل خود همین عبارات را گفت. در زمان او برای اولین بار چند مجسمه قدیم از زمان امپراطوری روم قدیم از زیر خاک بیرون آورده بودند. میکل آنژ در لباخته این مجسمه‌ها شده بود و در آن موقع تصور میکرد منتهای آرزوی یک هنرمند این است که بتواند مجسمه‌ای نظیر یاشیبیه مجسمه‌های قدیم روم و یونان بسازد. در حقیقت میکل آنژ پای بشا زنده‌ترین سال عمر خود گذاشته بود که موفق شد نظیر زیبا ترین مجسمه‌ها را که در آن زمان از روزگاران قدیم میساختند بسازد بطوریکه

متخصصین فن در آن روز کار میکال آنژ را بجای يك مجسمه قدیم گرفتند ولی ابن هنرمند از طفولیت اینطور عادت داشت که برای نیل بمقصودی منتهای کوشش رامیندول بدارد ولی همینکه بمقصود خود میرسید حتی قبل از اینکه کاملاً بدان دست یابد آنراها کرده بدنیال فکر جدیدی میرفت - افکار میکال آنژ دائماً موج میزد و بدریای عمیقی شباهت داشت و ممکن نبود اندیشه او روی يك نقطه یا شکل معینی ثابت بماند - هنوز چند ماه از تاریخ ایجاد (حضرت داوود) معروف بمیکال آنژ نگذشته بود که باو خبر رسید مجسمه تازه‌ای در روم کشف شده (۱۴ ژانویه ۱۵۰۶).

در تاقستانی نزدیک کلیسای (سن ماری ماژور) در روم مجسمه معروف لائوکون (Laocoon) که قطعاً خوانندگان گرامی با آن آشنائی دارند کشف شد. این مجسمه که متعلق بقرن سوم قبل از میلاد است پیرمردی را نشان میدهد که مورد غضب خداوندان قرار گرفته و افعی بزرگی مامور خفه کردن او و پسرانش شده و بدور آنها پیچیده است. از قیافه این پیرمرد حال وحشت و دردواندوه کاملاً پیدا است. یکی از نویسندگان ایطالیایی در تاریخ ۲۸ فوریه ۱۵۶۷ نقل میکنند چگونه همراه میکال آنژ و پدرش بمحل کشف این مجسمه رفتند و تاجه اندازه میکال آنژ فریفته این شاهکار که بعد از ۱۵۰۰ سال از زیر خاک بیرون میآید گشت و دل بآن باخت. برای اولین بار مجسمه‌ای از زیر خاک روم بیرون میآید که نویسنده معروف رومی پلین (Pliny) از آن صحبت کرده بود. خبر کشف این مجسمه بسرعت در شهر روم پیچید و آن را با احتیاط به دربار پاپ ژول دوم بردند. در این ساعت میکال آنژ دریافت که آرزوی بشر این نیست که فقط از روی طبیعت تقلید کند - شاید آرزوی مردم قرن ۱۶ این است که احساسات درونی اشخاص یعنی آن چیزی را که در طبیعت هست ولی دیده نمیشود و ثابت نیست در سنک بی روح مجسم نمایند.

۳۰۸

امروز اصطلاحی هست که میگویند فلان هنریشه بسیار زیباست ولی این عیب را دارد که مثل مجسمه بیروح است. در حقیقت مجسمه ونوس دومیلو با وجود زیبایی خود روح ندارد. میکال آنژ در دل خود گفت چه خوب میشد اگر میتوانستم آن چیزی را که دائماً در حرکت و تغییر است، آن فکری را که در مغز انسان است، آن احساساتی را که در انسان هست ولی در سنک نیست در جسم بیروح مرمز مجسم نمایم، آن چیزی که در حرکت است و بیش از یکصدم ثانیه در قالبی ثابت نیست... خواهید گفت این همان است که امروز با بهترین دوربینهای عکاسی انجام میدهند. واقماً دوربین عکاسی میتواند آن حرکتی را که بیش از يك صدم ثانیه ثابت نیست روی کاغذ ضبط نماید. ولی من بشما خواهم گفت که کار میکال آنژ را با کار عدسی دوربین عکاسی نمیتوان مقایسه کرد زیرا این مطلب صحیح است که این هنرمندان حالت یکصدم ثانیه را در سنک بیروح ضبط کرده ولی همین حالت یکصدم ثانیه دائماً در حرکت است و آنی ثابت نیست و در هر ثانیه هزاران شکل مختلف

بغود میگیرد.

از این حرف من تعجب میکنید ۰۰۰ من برایتان توضیح میدهم - قطعاً شما آن مجسمه معروف حضرت موسی را که در واتیکان است و نگاهی عمیق و ریشی بلند و بریج و عضلاتی قوی دارد میشناسید.

شما وقتی باین مجسمه میخواید نگاه کنید متوجه میشوید که ممکن نیست چشم خود را به نقطه ثابتی از آن خیره کنید اگر بریش او نگاه کنید نگاه شما در بیج و خمهای این ریش از بالا به پایین و از پایین به بالا به حرکت میآید - هیچ وقت سعی کرده اید چشم خود را به نقطه ای از آب رن جو بیار خیره کنید و متوجه شده اید که این امر غیر ممکن است زیرا دائماً چشم شما با آب متحرک از بالای جوی بطرف پایین بیآید و هر قدر بخواید آن را در یک نقطه ثابت نگه دارید باز می بینید بدون اراده شما ، نگاهتان بطرف خط سیر آب در حرکت است . ریشهای حضرت موسی نیز مانند جوی آب دائماً در حرکت است . اگر بخواید به چشمان او نگاه کنید متوجه میشوید که این چشمهای غضب آلود دائماً بدور مردمک دور میزنند و حالت ترس و وحشت و در عین حال احترام و اطاعت در شما ایجاد می شود . بدم میخواید خیال خود را راحت کنید و به عضلات دست و پای موسی نظر میاندازید . ناگهان حس میکنید که در عروق پشانی و عضلات دست موسی حرکت خون را می بینید - طبعش قلب روی این عروق محسوس است . آنوقت می فهمید که میکمل آنژ چه کرده - میکمل آنژ در سنک موجود جان داری خلق کرده که تا ابد زنده خواهد بود - میکمل آنژ روح خودش را در روح این موسی دمیده و از درون چشمان او پس از ۴۰۰ سال با شما حرف میزند و از شما میپرسد : چطور است ؟ آیا کار مرا می پسندی ...؟

۳۰۹

در حقیقت میکمل آنژ بغود زندگی جاودانی داده است . و تا روزی که این مجسمه باقی است شما میتوانید هر آن و هر ثانیه با روح میکمل آنژ صحبت کنید - برای اینکه با او صحبت کنید لازم نیست زبان لان بدانید - او به همه زبانی سخن میگوید تمام نسلهای گذشته با او صحبت کرده اند و شما هم صحبت میکنید و نسل آتی هم صحبت خواهند کرد :

مگر فردوسی با سرودن اشعار شاهنامه هر آن با من و شما صحبت نمیکند . مگر هر ، و یکسورگو و شکسپر همین کار را نمیکند ولی شما اگر زبان فارسی ندانید نمیتوانید با فردوسی درد دل خود را در میان بگذارید در صورتیکه میکمل آنژ بهتر از باینکه شما میدانید با شما سخن میگوید فقط کافی است که شما مختصری ذوق و سلیقه داشته باشید . میکمل آنژ مجسم کنده روح و فکر و احساسات است نه سازنده مجسمه گوشت و پوست و استخوان

این است آنچه برای من ممکن بود از هنر میکمل آنژ برای شما بگویم و البته راجع به میکمل آنژ گفتمی زیاد است و تصاویری که در این مجله آورده شده دو صفحه از نقاشی

های دیواری میکل آنژ را که در کلیسای سیکستین **Chapelle Sixtine** در روم نقش شده نشان میدهد. تصور میکنم شما باین مطلب اعتراض دارید و میگویید اینها که نقاشی نیستند مجسمه‌اند. بلی - میکل آنژ در روی يك صفحه دیوار طوری نقاشی کرده که بآن عمق بخشیده تصور نقاشی شده را بصورت مجسمه درآورده است - موضوع آن بیرون کردن آدم و حوا از بهشت است و شما نشان میدهید چگونه حضرت حوا فریب شیطان را خورد و در نتیجه او و شوهرش را از بهشت بیرون کردند - درست به عکس های مزبور توجه کنید و به بینید آیا مطالبی که در بالا گفته شد در باره آنها صدق میکند یاخیر؟



از مولوی

۳۱۰

زبان حال

این همه فقر و جفاها میکشیم	جمله عالم در خوشی ما ناخوشیم
نانمان نی، نانخورشمان دردورشك	کوزمان نی، آسمان از دیده اشك
جامه ما، روز تاب آفتاب	شب نهالین و لاجاف، از ماهتاب
قرص مه را قرص نان پنداشته	دست سوی آسمان برداشته
کز عناد و فقر ما گشتیم خوار	سوخته‌یم از اضطراب و اضطرار
قحط ده سال از ندیدی درصور	چشمها بگشا و اندر ما نگر